



<http://www.arianafghanistan.com>



2016/10/25



احسان الله مایار

گویند: «احتیاج مادر ایجاد است»

در اخیر هفته گذشته سه نواسه به دیدن ما آمدند که مانند همیشه با خوشی سپری شد. اسمعیل، نواسه ارشد که سال های اخیر تحصیل خود را در رشته طبابت می گزرانند در آلمان تولد شده و خوشبختانه با زادگاه پدر و پدرکلانش علاقه بیشتر از دیگر ها دارد و با لسان دری با همه ما صحبت می کند، لیک از نوشتن و خواندن دری بهره ندارد.

صحبت نمودن همه شان در دری طور نسبی روان است و با ما، مادر کلان و پدرکلان، تنها و تنها با لسان دری صحبت می کنند.

روز اول که اسمعیل یک روز مقدم تر از دو نواسه دیگر نزد ما آمد مرا مشغول نوشتن در کمپیوتر دید و با متانت که خاصه پیش آمدش است پرسید: «چرا شما در سایت های تان تنها بین خود به دری و یا پشتو می نویسید و در مورد ما که علاقه به گزارشات از افغانستان داریم به لسانی نمی نویسید که ما هم از آن چیزی بهره برداریم و همچنان خود ما بتوانیم از این طریق نظر و مطالب مورد علاقه خود را به خوانندگان برسانیم.»

این گفته وی مرا متوجه گردانید که اسمعیل به یک نکته ضعف ما انگشت گذاشته که ما طبقه مسن افغان و با استفاده و وجود کمپیوتر، بیشتر با خود ها مشغول هستیم تا اینکه به نسل جوان خود بیاندیشیم.

جنايات مشهود گروه خلق و پرچم، بنیاد وریشه اجتماعی ما افغان ها را در تار و پود آن چنان بهم زد که تا امروز که قریب به چهل سال از آن می گزرد به حال نیامده و هزاران فرزند افغان هنوز هم در نقاط مختلف جهان به جستجوی سر پناهی سر گردان هستند.

نسبت به نبود احصائیه ثابت نمی توان در مورد تعداد مهاجرین افغان در اروپا و امریکا صحبت کرد، لیک گمان می ورد که در اروپا و امریکا بیش از یک میلیون افغان امرار معاش کنند.

یقین دارم که یک فیصدی قابل توجه این تعداد در اروپا و یا امریکا تولد شده و با السنه دری و پشتو بلدیت ندارند، لیک در رابطه ای خونی خود منحصی افغان، میهن اجداد خود را به نیکی یاد می کنند.

این مبحث تعداد و احصائیه گیری را نمی خواهم به اطالت بکشانم، بلکه می خواهم منحصی ناقلین فرهنگ افغانی به احفاد خود نظر خود را پیاده نمایم.

از این اشاره اسمعیل نسبت به کمبودی آنتن تماس با افغانهای علاقمند در رابطه با رویداد ها و قضایای افغانستان و مردم آن استفاده نموده و درباره با دوست عزیزم ولی احمد نوری صحبت نمودم. نسبت به راهیابی و حل این معادله به توافق رسیدیم تا برای افغان هائیکه با السنه ملی ما آشنائی کامل نداشته بایست طریق

ساده‌افهام وتفہیم را میسر گردانیم تا از اوضاع میهن آبائی شان مطلع گردند، بدون اینکه به خواندن ونوشتن به السنه معمول در افغانستان آشنائی داشته باشند.

امتحان در عمل پیاده کردن این مأمول را بعهده گرفتیم و سعی می نمایم تا برای اولین بار نوشته دوستم محمد حسین انوری را که در قبال کشتار یک تعداد از بیگناهان مردم چاردره قندوز که به لسان آلمانی تحریر یافته از نظر علاقمندان بگزرانم.

آقای انوری شخصیت شناخته شده در حلقه نویسندگان است که ایجاب معرفی دوباره را نمی کند. انتقاد کسانی را که با این امتحان مخالفت می ورزند بنظر احترام نگریسته در خواست می نمایم که این آزمایش را با نظر نیک بنگرند و اگر چند نفر محدود از فرزندان ما به سایت ملی شان «آریانا افغانستان آنلاین» کلیک کنند و مطلبی را به السنه مدول، بیشتر مورد نظرم انگلیسی، آلمانی و فرانسوی را از نظر بگزرانند و اگر خواسته باشند مطالبی دلخواه شان را به یکی از السنه خواسته شان بنویسند با پیشانی باز بپذیریم و با این نظر ما که «احتیاج مادر ایجاد است» استفاده کنند.

انکشاف بیشتر این مطلب را به آینده می سپاریم و اینک نوشته محمد حسین انوری:

M.Hussein Anwari
Freiherr v.Stein-str.16
Neu-Isenburg.BRD

26/10/2016

Zwischen Menschlichkeit und Grausamkeit

Im neuesten Buch von Herrn Dr.Juergen Todenhoefer:

"Inside IS-10Tage im Islamischen Staat"

Habe ich gelesen,dass ein Soldat folgendes an ihn geschrieben hat. Zitat:"So ein Arschloch"! Oberst Klein hat ueber 100 Arschloecher wegeputzt und deutsche Soldaten gerettet. Hoffentlich zerreisst es Todenhoefer bei einem Selbstmordanschlag!"

In der Tat, Herr Todenhoefer geniesst in Afghanistan ueber ein grosses Ansehen! Ich selbst bete zu Gott, sein Leben und das seiner Familie zu schuetzen.

Der Soldat bezieht sich mit diesen schamlosen Aeusserungen auf die von Oberst Klein veranlasste Bombardierung von zwei im Kunduz-Fluss stecken gebliebenen Tanklastzuege durch US-Kampffjets.

In der Nacht vom 4.September 2009 laesst Oberst Klein sie durch amerikanische Kampffjets bombardieren, obwohl er wusste, dass viele Menschen um die Lastzuege herumstehen. Damals starben 137 unschuldige Afghanen, darunter 36 Kinder im Alter von 5 bis 16 Jahren, darueber hinaus wurden 163 kleine Maedchen und Jungen zu Waisen.

Noch immer stellt sich die Frage, weshalb hat Oberst Klein den Vorschlag der amerikanischen Piloten abgelehnt, die herumstehenden Menschen durch einige Tieffluege zu vertreiben?

Weshalb hatte Oberst Klein fuer die zwei im Flussbett steckenden Tankfahrzeuge sechs Bomben mit 1200kg Sprengstoff gefordert? Dies wurde aber von den amerikanischen Piloten abgelehnt, sie warfen nur zwei Bomben ab. Hatte Oberst Klein eventuell die Absicht, die nah am Fluss gelegene Dorf

mitsamt den Bewohnern zu vernichten? Alle diese Fragen sind bis heute unbeantwortet geblieben.

Oberst Klein soll sich daran erinnern, dass die Grossvaeter der durch ihn getoeteten Kunduz-Kinder einst deutschen Buergern das Leben gerettet hatten. Das war an Ende des zweiten Weltkrieges, waehrend dem Afghanistan ein neutrals Land war. Damals waren in Afghanistan viele deutsche Ingenieure und Lehrer fuer verschiedene Entwicklungsprojekte taetig.

Als der Krieg 1945 mit der deutschen Niederlage endete, hatte der englische Botschafter in Kabul von der damaligen afghanischen Regierung verlangt, dass die deutschen Staatsbuerger in Afghanistan als Kriegsgefangene betrachtet werden und an England auszuliefern sind.

Der Ministerpraesident Mohammad Hashim Khan, ein Onkel des Koenigs Mohammad Zahir Shah, hatte darauf geantwortet, dass darueber nur das afghanische Volk entscheiden koenne.

Danach wurde die traditionelle Versammlung (Loya- Jirga) einberufen, an der sich die Vertreter aller Provinzen Afghanistans, auch der Provinz Kundus, beteiligten.

Man hat der Loys Jirga die Forderung des englischen Botschafters zur Auslieferung der deutschen Staatsbuerger vorgetragen, aber alle Vertreter haben einstimmig entschieden und gesagt: "Wir sind ein armes, kleines Volk, aber gastfreundlich. Die deutschen Buerger sind unsere Gaeste und wir sind unter keinen Umstaenden bereit, sie auszuliefern. Sollte uns die Englaender drohen, so sind wir bereit, auch unser eigenes Blut zum schutze unsererer Gaeste zu vergiessen."

Diesen Volksvertreter Entscheidung hat die Regierung der englischen Botschaft klar und deutlich mitgeteilt. Danach sind die Deutschen auf ihren eigenen Wunsch sicher ueber die Tuerkei in ihre Heimat geschickt worden.

Ende